



سال دوم
شماره دوم
آذر ۱۳۹۸

نون و القلم

گاهنامه ادبی، فرهنگی، اجتماعی



به وقت مصاحبه: مصاحبه با دکتر میرحیدری، رئیس پردیس فاطمه الزهرا (س)

زندگی دانشجویی با سه نکته | برگزیده از خلقت | وقایع اتفاقیه | در مسیر دانشگاه



سهراب
سهرابی

۱۳۵۹ - ۱۳۰۷



بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب در شب شعر رهبری سال ۱۳۹۸

یکی از معجزات عالم خلقت همین پدیده‌ی شعر است؛ مثل خود بیان، بیان هم یکی از برترین معجزات پروردگار در عالم آفرینش است. اینکه شما قادر هستید که ذهنیت خودتان را، صُور ذهنی خودتان را با قالب کلمات، در قالب الفاظ، به کسی منتقل کنید، خیلی پدیده مهمی است. زیرا اولین چیزی که خدای متعال بعد از اصل خلقت، بیان میکند، تعلیم بیان است؛ بیان معجزه‌ی آفرینش است. در اقسام بیان، شعر این خصوصیت را دارد که از جمال و زیبایی برخوردار است. هر بیانی زیبا نیست؛ معجزه است، مهم است اما زیبایی در شعر است. شعر زیبا رسانه است؛ یک رسانه‌ی اثرگذار که برای انتقال مفاهیم، کارآمدی مضاعف دارد. و این حجم از کارآمدی مسئولیت آور است. مسئولیت نسبت به قلم و نویسندگی آن.

فهرست

۴	سخن مدیر مسئول
۵	وقایع اتفاقیه
۶	حافظ در نگاه ما
۷	به وقت مصاحبه
۸	برگزیده از خلقت
۹	در مسیر دانشگاه
۱۰	زندگی دانشجویی با سه نکته
۱۱	با پرنده ی آبی
۱۲	در ایستگاه قلم
۱۳	جادوی دنیای کتاب
۱۴	از ایده تا عمل
۱۵	نقل قول

شناسنامه:

✉ Noonvalghalam98@gmail.com
✈ @Noonmag

مدیر مسئول: مرجان جعفری
سر دبیر: مهدیه سادات قناعت
طراح: محسن پارسا
ویراستار: مریم نفر سفید دشتی

صاحب امتیاز: کانون شعر و ادب پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان



به نام خدا

ن وَالْقَلَمَ وَمَا يَسْطُرُونَ

سوگند به قلم و آنچه می نویسند.

سوره «القلم»، آیه ۱

خداوند را سپاس، که پس از یک سال، انتشار شماره دوم نشریه ادبی، فرهنگی و اجتماعی **نون والقلم** (هشت بهشت سابق) با اعضا و تغییرات ساختاری جدید به وقوع پیوست. قلم کنایه از دنیاست زیرا که دوات، قلم، خواندن و نوشتن همه از لوازم دنیاست. گاهنامه **نون والقلم** نیز گوشه کوچکی از دنیای ماست. دنیای ذهن های خیال پرداز و قلم های خوش ذوق و پر استعداد دانشجویان، معلمان و استادانی که بدون آن ها **نون والقلم** معنایی نخواهد داشت. آنچه می خوانید مجموعه ای از نوشته های اهل قلم با محوریت موضوعات روز و وقایع رخ داده در پاییز سال هزار و سیصد و نود و هشت در قالب ادبیات، فرهنگ و جامعه است. بخاطر داشته باشید صداقت در قلم و تعهد در انتقال نوشته های شما رسالت ماست. تقدیر و تشکر بی کران از هران کس که در ممکن شدن شکل گیری این نشریه ما را یاری نمود. آموخته ایم که نهایت تلاش خود را برای هر شماره بکار بگیریم اما می دانیم که راه برای بهتر شدن نامتناهی است. بنابراین همواره منتظر انتقادات و پیشنهادات و آثار شما مخاطب ارزشمند نشریه **نون والقلم** هستیم. ارادتمند،

مرجان جعفری

مدیرمسئول گاهنامه نون والقلم

سخن مدیر مسئول



مرجان جعفری

مدیرمسئول گاهنامه

"نون والقلم"

پاییز ۱۳۹۸

وقایع اتفاقیه

برگزاری جشن روز دانشجو:



عکاس: ساجده حسینی

این جشن در روز ۹۸/۹/۱۷ توسط مسئولین، با همکاری شورای صنفی و با اجرای حمیدمرادی و همکاران ایشان برگزار شد. جشن از ساعت ۱۵:۰۰ شروع شد و تا ساعت ۱۸:۰۰ ادامه داشت و اوقات خوشی را برای دانشجویان و معلمان رقم زد.



جلسه در روز سه شنبه، مورخ ۹۸/۹/۱۹ در سالن کنفرانس پردیس فاطمه الزهرا با حضور آقای عرووف زاد، آقای کریمی، آقای احمدی و دانشجویان پنج پردیس برگزار شد. جلسه با انتقادات شدید دانشجویان شهید آیت شروع شد و با انتقادات و پیشنهادات تمام شد و آقای عرووف زاد به انتقادات دانشجویان پاسخ هایی در خور دادند.



جلسه در روز چهارشنبه ۹۸/۹/۱۴ با حضور آقای عرووف زاد، کمیته ناظر بر نشریات، مدیر مسئولان و سردبیران پردیس های استان اصفهان برگزار شد. مدیر مسئولان در این جلسه تاکید زیادی بر افزایش بودجه، تشویق شورای نشریات، کارگاه های توانمند سازی نشریات و... داشتند. در انتهای جلسه قرار بر این شد که کارگاه توانمند سازی نشریات، دو هفته پشت سر هم برگزار شود و آقای عرووف زاد قول دادند که بودجه نشریات را بیشتر کنند.

جلسه مدیریت امور پردیس های استان اصفهان با کانون های فرهنگی:

جلسه مدیریت امور پردیس استان اصفهان با مدیر مسئولان نشریات دانشجویی:

پریسا یزدانی

رشته آموزش کودکان استثنایی
پردیس فاطمة الزهرا (س) اصفهان



خزانه نگاه ما

در باب جهان بینی حافظ، بحث های بسیار و نظریات گوناگون ابراز شده و مسأله مورد اختلاف است؛ ولی اگر به دور از تعصب و پیش داوری در دیوان حافظ مطالعه کنیم، درمی یابیم که جهان بینی این مرد بزرگ قطعاً جهان بینی عرفانی است و حافظ، یک عارف است. ادعا نمی کنیم که همه ی اشعار حافظ شعر عارفانه است؛ بلکه می دانیم برخی شعرهای او به وضوح هیچ محمل عرفانی ندارد:

گر آن شیرین پسر، خونم بریزد
دلا چون شیرمادر، گن حلالش
نمی دهند اجازت مرا به سیر و سفر
نسیم باد مصلا و آب رکن آباد
ز رکن آباد ما صد لوحش الله
که عمر خضر می بخشد زلالش
میان جعفرآباد و مصلا
عبیرآمیز می آید شمالش

بارزترین مظهر این جهان بینی در کلام حافظ، عشق است و این بدان خاطر است که بشر در راه درازی که در مراحل سلوک دارد تا به لقاءالله برسد، این منازل، جز با شهیر عشق امکان ندارد که طی شود. بدون محبت و بدون عشق و جذبه ی عاشقانه، هیچ سالکی نمی تواند این طریق را پشت سر بگذارد. لذا در جهان بینی عرفانی و درمکتب عرفا، عشق و محبت جایگاه بسیار برجسته ای دارد و در دیوان حافظ هم این معنا موج می زند:

طفیل هستی عشق اند آدمی و پری
ارادتى بنما تا سعادتى بیری
بکوش خواجه و از عشق بی نصیب مباش
که بنده را نخرد کس، به عیب بی هنری

نکته ی دوم، وحدت وجود و مقوله ی وحدت تجلی است که از مباحث معروف عرفان است. در مقابل نظریه ی فلاسفه که قائل به کثرت فاعلیت هستند، عرفا به وحدت فاعلیت و وحدت تجلی قائلند:

عکس روی تو چو در آینه ی جام افتاد
صوفی از پرتو می، در طمع خام افتاد
در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

یکی دیگر از مباحث عرفانی موجود در مکتب عرفا «مسأله ی حیرت» است. همان چیزی که متأسفانه در کلام کسانی که حیرت عارف را درک نکرده اند، به «شک» تعبیر شده است. شک یعنی تردید در ریشه ی قضایا، در حالیکه این غیر از حیرت عارف است. هر چه عارف، عرفان و معرفتش بیشتر می شود، حیرتش هم بیشتر می شود. «رب زدنی حیثاً فیک» از دعاهایی است که در این باره از رسول اکرم «ص» نقل شده است. همچنین حدیث «ما عرفناک حق معرفتک» نشانه ی بی اعتنایی به دنیا از دید عارفانه است:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
الهی مُنعمم گردان به درویشی و خرسندی
دیگر خصوصیت عارفانه ی حافظ در دیوانش، سوء ظن او به استدلال است و اینکه استدلال و تمکین نمی تواند انسان را به جایی برساند:

چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش
زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست
حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را

یعنی از راه «حکمت» نمی توان فهمید. بحث دیگر "سالوس ستیزی" حافظ است که این هم بحث عرفانی است. یکی از بیت الغزل های دیوان حافظ، سالوس ستیزی است. خواجه دشمن نفاق و دورنگی و تزویر است؛ در هر کس که باشد برای او فرق نمی کند. او با تزویر مخالف است و این هم ناشی از همان دید عرفانی اوست:

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود
تا ریا ورزد و سالوس، مسلمان نشود

این سخن کاملاً درست است، زیرا اسلام یعنی تسلیم در مقابل پروردگار و محو شدن در ذات و امر او، که با تزویر و ریا که شرک است نمی سازد. نکته ی دیگر، اخلاقیات حافظ است که بخش دیگری از جهان بینی او را نشان می دهد:

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق
آیتی در وفا و در بخشش
هر که بخراسدت جگر به جفا
همچو کان کریم زر بخشش
کم مباش از درخت سایه فکن
هر که سنگت زند ثمر بخشش
از صدف یاد دار نکته ی حلم
هر که برد سرت گهر بخشش

مسأله ی آخر، نوع شخصیت حافظ است که آن هم به جهان بینی او برمیگردد. حافظ در بخش اصلی و عمده عمرش یک انسان وارسته و والا بوده است. انسانی عالم و درس خوانده که فقه و حدیث و کلام و تفسیر و ادب فارسی و ادب عربی را آموخته و حتی در نجوم هم دستی داشته است. هرگز بساط علم فروشی و زهdfروشی و دین فروشی را نگسترده است و با آن مخالف هم بوده است. راه سلوک و عرفان را هم پیموده است و با اینکه وابسته به فرقه ای از متصوفه نبوده و مرشد و شیخی هم نداشته ولی معتقد بوده که بدون پیر، راه عشق را نمی توان طی کرد:

به راه عشق منه بی دلیل راه قدم
که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد
از آستان پیر مغان سر چرا کشیم
دولت در آن سرا و گشایش در آن در است
بنده پیر مغانم که ز جهلم برهاند
پیر ما هر چه کند عین عنایت باشد



دکتر مریم رنجبر

استاد دانشگاه فرهنگیان اصفهان

به وقت مصاحبه

متن خبری مصاحبه با دکتر اشرف میر حیدری مدیریت پردیس فاطمه الزهرا اصفهان در خصوص ادامه ی تحصیل دانشجویان



سرکار خانم میرحیدری لطفا خودتان را معرفی بفرمایید و مدرک تحصیلی خود را ذکر کنید.

اینجانب اشرف میرحیدری ریاست دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرای دختران اصفهان فارغ التحصیل دکتری رشته ی مدیریت آموزشی می باشم.

نظر شما راجع به ادامه ی تحصیل چیست؟

بسیار خوب است که معلمان ما بتوانند همگام با پیشرفت و رشد علمی جهانی و ملی حرکت کنند به شرط آنکه شرایط ان را دارا باشند.

سرکار خانم میرحیدری ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. در آخر به عنوان حسن ختام توصیه هایی به دانشجویان خودتان بفرمایید.

توصیه ی اینجانب به دانشجویان عزیز این است که در شرایط فعلی خوب درس بخوانند، به دنبال کسب منش معلمی باشند و معلم تراز اول نظام جمهوری اسلامی ایران شوند ولی در آینده ضمن اینکه معلم خوبی هستند درس بخوانند و در سایر حوزه ها نیز رشد کنند.

از اینکه با بیانات گهربار خود ما را مستفیض کردید بسیار سپاسگزارم.

شرایط ادامه ی تحصیل دانشجویان دانشگاه فرهنگیان چیست؟

قبل از سه سال کار در مدارس و پایان تعهد، دانشجویان قادر به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان نمی باشند اما در سایر دانشگاه ها می توانند ادامه تحصیل دهند.

چه رشته هایی را برای ادامه تحصیل به دانشجو معلمان توصیه می کنید؟

دانشجویان حداالامکان رشته های مربوط با شغل خود را ادامه دهند تا در کار خود موفق تر باشند.

از نظر شما ادامه ی تحصیل در زندگی شخصی و شغلی دانشجویان اختلالی ایجاد نمی کند؟

شرایط تحصیل و کار و زندگی برای همه یکسان نیست هر فرد باهوشی خود باید بداند در چه زمانی باید زندگی کند در چه زمانی ادامه تحصیل دهد. اما به یاد داشته باشد که هیچ وقت برای ادامه تحصیل دیر نیست و همیشه فرصت هست.

مائده حسینی

رشته آموزش کودکان استثنایی
پردیس فاطمه الزهرا (س)



برگزیده از خلقت

چه خبر است؟ آسمان، آسمان همیشگی نیست. ستاره می بارد؛ از آسمان به زمین؟ نه! از زمین به آسمان، به یمن قدم کسی انگار... در کنجی از این جغرافیای پهناو، آتش پایدار آتشکده ای می میرد. کنجی دیگر، طاق کسری فرو میریزد... چه خبر است؟ تاریخ این لحظات را در خود ثبت خواهد کرد. هفده ربیع الاول عام الفیل، کودکی در دامن آمنه است. به او می نگرند، اما نمی بینند. چهل سال دیگر. سرو بلند قامتی را که محل فرود ملائکه است. نمی بینند. قرونی را که فرزندان فرزندش، داد از بیدادگران می ستانند و در راه عشق، یک به یک و نسل به نسل، جان می سپارند. نمی بینند. هزاره ای را که این کودک، هزاران نفر را حول یک نقطه گرد می آورد؛ به طواف عشق... تاریخ، تمام اینها را نظاره گر خواهد بود و ثبت خواهد کرد.

از محمد (ص) چگونه توان گفتن؟ به تشبیه و به استعاره، به ایهام و به کنایه، به همه و به هیچ. قلم خاموش باد! ذهن کوچک مرا یارای از او گفتن نیست. تنها می دانم، که چون نسیم خوش عطری بود که بر گندمزاری بوزد، آنگاه به یاری وبه لطف او، گندمها همه بریک سو سر خم می کنند. آنگاه هر خوشه ی گندم دانه هایش را بپراکند، به وسعت زمین؛ تا هر نقطه از زمین، سر فرو آورده باشد بر قادر مطلق...

من از وصفت ناتوانم، پس تو را آنگونه می شناسم که حسین (ع) در روز عرفه می خواند:

و خیر تک من خلک: برگزیده از خلقت؛
 آمینک علی و حیک: امین و حیت؛
 البشیر النذیر: مژده دهنده و ترساننده؛
 السراج المنیر: چراغ نوربخش؛

الذی أنعمت به علی المومنین: آنکه به سبب او به مسلمانان نعمت بخشیدی؛
 و جعلته رحمته للعالمین: و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی؛
 «الهم فصل علی محمد و آل محمد، کما محمد اهل لذلک منه»

مریم نفر سفید دشتی

رشته علوم تربیتی ۹۷
 پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان





در مسیر دانشگاه

”

در هر شماره از این نشریه من سعی می‌کنم سه تا از معروف‌ترین و بهترین پادکست‌های فارسی زبان را، خیلی مختصر و مفید، به شما معرفی کنم. علتش هم اینکه در جامعه کنونی، در زمانی که ممکن است ما بخشی از روزمان را در مسیر، بخصوص مسیر دانشگاه طی کنیم، پادکست گوش دادن و مطالب جدید یادگرفتن راحت‌تر و ممکن‌تر از کتاب خواندن است. آدرس پادکست‌های معرفی شده را نیز برای دسترسی راحت‌تر شما در کانال نشریه قرار می‌دهم.

۱ پادکست فردوسی خوانی



فردوسی خوانی

پادکست برای دوستداران مبتدی شاهنامه

"پادکستی برای دوستداران مبتدی شاهنامه" امیر خادم در پادکست فردوسی خوانی، هر هفته قسمتی از شاهنامه فردوسی را با معنی و حتی ارجاع‌های مختلف و با لحنی دوستانه و صمیمی و ساده منتشر می‌کند. اگر حتی یک اپیزود از این پادکست را گوش کنید، دنبال نکردن بقیه قسمت‌های آن برایتان کار سخت و دشواری خواهد شد. راستی، امیر خادم در توییت‌ها به اکثر توییت‌های مرتبط به پادکستش جواب می‌دهد. البته در آن جا، به "آقای فردوسی خوانی" معروف است.

۲ پادکست پاراگراف



توی صفحه معرفی این پادکست نوشته: "تاریخ مثل قصه هاست. قصه‌ها کمک می‌کنند ما عمیق‌تر زندگی کنیم". در هر اپیزود از این پادکست علیرضا بنی جانی داستان‌هایی از تمدن‌های مختلف را با لحنی گیرا و شیوا برای شما روایت می‌کند. اگر به تاریخ علاقه‌مند هستید، این پادکست مخصوص شماست و حتی اگر علاقه‌ای هم به تاریخ ندارید، از گوش دادن به این پادکست پشیمان نمی‌شوید.

۳ پادکست خلاصه کتاب‌ها یا Epitome books



Epitome Books

بارها پیش آمده که دلمان می‌خواهد در گوشه‌ای دنج و ساکت بنشینیم و بدون دغدغه کتابی را که دوست داریم بخوانیم. اما یا وقتش را نداریم یا گوشه‌ای دنج و خلوت را پیدا نمی‌کنیم. خیلی وقت‌ها هم شده که کتابی به نظرمان جالب آمده اما نه نویسنده‌اش را می‌شناختیم و نه برای خواندنش مطمئن بوده‌ایم. محمد رضا عشوری در پادکست خلاصه کتاب‌ها، هر دو سه هفته یک بار این کار را برای شما انجام می‌دهد. یعنی می‌نشیند یک گوشه دنج و متن خلاصه یک کتاب، از فلسفه‌ای برای زندگی ویلیام اروین گرفته تا افسوس نمی‌خوریم باربارا دمیک را با محتوایی ارزشمند به شما هدیه می‌دهد. این پادکست گروه کتاب خوانی هم دارد که اگر مشتاق عضویت در آن باشید با مراجعه به صفحه اصلی پادکست لینک آن را دریافت می‌کنید.

مرجان جعفری

رشته آموزش کودکان استثنایی
پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان

زندگی دانشجویی با سه نکته



دکتر سید مهدی میرهادی
استاد دانشگاه فرهنگیان اصفهان

سالهای زیادی از عمرم را دانشجوی بوده ام. دو سال دانشجوی تربیت معلم، چهار سال دانشجوی کارشناسی، دو سال دانشجوی کارشناسی ارشد و پنج سال دانشجوی دکترا. بنظرم شما نیز قبول دارید که سیزده سال دانشجوی بودن، کم عمری برای این کار نیست. پس احتمالا باید بتوانم پیشنهادهایی در این باره که دانشجوی چه باید بکند و چه نباید بکند، به شما بدهم. فعلا از این سه پنجره، به زندگی دانشجویی نگاه کنید تا بعد.

فکر کنم اولین چیز آن است که دانشجوی بودن را خیلی برای خودتان بزرگ نکنید. چنین مرحله ای فقط بخشی از زندگی ماست که بزودی هم تمام می شود. تصور کنید اگر من می خواستم در این سیزده سال فقط دانشجوی بمانم، الان در چه وضعیتی به سر می بردم؟ پس زندگی را معطل دانشجوی بودنتان نکنید. منظورم این است که مثلا هیچ وقت نگویید ازدواج باشد برای بعد از اخذ مدرک (البته بعید می دانم چنین بی عقلی از شما سر بزند)، یا درسم که تمام شد به مادر شدن فکر خواهم کرد، یا ورزش کردن باشد برای بعد از امتحانات یا فرصتی برای مطالعه ندارم. بگذریم، خواستم بگویم دانشجوی اینقدر توانایی و ظرفیت دارد که دانشجوی بودنش مانع چیزهای دیگر بودنش، نباشد.

دومین چیز شاید این باشد که فرصت آشنا شدن با انواع زندگی ها که در شخصیت دیگر دانشجویان ظهور پیدا می کند را از دست ندهید. فرهنگ های مختلف که در رفتارهای همکلاسی ها و هم خوابگاهی هایتان جریان دارد، به معنای ظرفیت های متنوعی برای زندگی کردن و کنار آمدن با واقعیت های زندگی است. آنها را دست کم نگیرید و قابلیت های خود را تنوع ببخشید. بدانید شکل های مختلف زندگی آدم ها، امکان انتخاب های زندگی ما را وسعت می بخشند. آدم های هوشمند (که شما باشید) مرتبا قشنگی های دیگران را تماشا می کنند.

سومین مطلب بنظرم این باشد که ما وقتی کنار هم زندگی می کنیم آنهم در چنین ترافیکی از تجمع آدم های جور و اجور، تزامم اراده ها و تداخل خواسته ها، فرصتی برای تمرین نخواستن های بی اهمیت و گذشتن از خواستن های نه چندان مهم خواهد شد. نتیجه چنین تمرینی، بزرگ شدن و قوی شدن ما در زندگی است. این چنین سرمایه و ظرفیتی را در چنین زمان کوتاهی (یک زندگی چند ساله دانشجویی) کجا می توان به چنگ آورد؟

۱۶ آذر - روز دانشجوی



با پرنده ی آبی



#معتزله

با سپاس از دانشجوی مملو از پرسشی که باعث شد نصف تایم کلاس برای پاسخگویی به سوالاتش بگذره و جزوه ها حجمش نصف حجم واقعی باشه



#همینجا_زیر_پونز

هنوز واسم سواله!
چرا اگه من دیر برسم سر کلاس، (و لو اینکه قبلاً اطلاع داده باشم)، دانشجوی بی نظم تلقی میشم و استاد جلوی دیگران تذکر میده ولی اگه استاد بدون اطلاع قبلی دیر بیاد سر کلاس؛ میگن از این مشکلات پیش میاد دیگه...؟
و ما حق اعتراض نداریم؟



#روسی_آبی

اون لحظه که دارین عشق و حال متناسب با سن و سالتون و میکنین
یه خدا نترس میاد میگه
_معلم مملکت و ببین...
هزاران بار تقدیم دانشجو رشته های دیگه که تو کفِ شغل و حقوق معلمی هستن



#کولکاپیسی_درجامعه_معلمی

سه تا از بهترین خواب های دنیا:
۱ خوابیدن موقعی که هم اتاقیات کلاس دارن ولی تو کلاس نداری
۲ خوابیدن روی پاهای دوستان وقتی که خسته ای
۳ خوابیدن با چشای باز وقتی که استاد داره درس میده



#شنویم

ب دوستم میگم تو خوابگاه ۱۶ نفریم
میگه یه تیم فوتبال با کادرفنی هستین برا خودتون...



#دانشجوی_ریاضی_گران

مراحل درس خوندن تو خوابگاه:



۱. پیدا کردن جزوه
۲. حمل جزوه و بالش و نقل مکان به نمازخونه
۳. خواندن خط اول از صفحه اول
۴. ورق زدن صفحات جهت شمردن تعدادشون
۵. گفتن جمله "خو هنوز وقت هست"
۶. به خواب عمیق فرو رفتن



خانه

#کاوش

آگاه سازی ها

پیام ها

نشانه ها

فهرست ها

نمایه

بیشتر



مهدیه سادات قناعت

رشته علوم تربیتی
پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان

در ایستگاه قلم

خانه ی خالی

قبرستان ساکت بود و فقط بادِ سرد، زوزه می کشید. مسلم گوشه ای نشسته و به دیوار لم داده بود. تکه نان را آرام آرام می خورد و به روبه رو، نگاه می کرد. وقتی نفس می کشید؛ از دهانش بخار بیرون می ریخت. وقتی نان را می جوید، معلوم نبود که خودش آن را می جود و یا از سرمای هوا، دهانش به هم می خورد. معلوم نبود که دستانش از سرما می لرزید یا از گرسنگی. اصلاً معلوم نبود که آنجا چه می کرد.

باد سرد صدای هیاهویی را با خودش می آورد. از جا بلند شد. چند خانه آن طرف تر، دو همسایه با هم درگیر شده بودند. خانه اش در نداشت. پنجره و سقف هم نداشت. فرش یا چراغ هم نداشت. اما خانه اش بود و چهار دیواری ای، که اختیارش را در دست داشت. خم شد و نانیش را زمین گذاشت. آن قدر خاک روی آن ریخت تا معلوم نباشد. دوباره از جا بلند شد و از خانه بیرون رفت. از روی خانه های همسایه هایش رد شد تا به دعوای آن دو برسد. دعوا بر سر یک پتوی پاره، اما گرم بود! اولی گفت: «من اول این رو پیدا کردم.»

دومی گفت: «ولی من اول پتو رو اینجا گذاشتم. رفتم دست به آب و بعد که اومدم، دیدم ای دل غافل! یه نامردی اومده و زده به مال من. حالا هم که دست توئه. پس یعنی تو دزدیدیش دیگه.»
- «من دزد نیستم. فقط این رو اینجا پیدا کردم و این دزدی نیست. از طرفی، من دو تا بچه ی کوچیک دارم. عدالت داشته باش مرد حسابی. پس دین و ایمونت کجا رفته؟!»

مسلم که داشت به دهان های خشک آن دو نفر، نگاه می کرد؛ با خودش گفت: «دین و ایمون کجا رفته؟ شاید در یکی از خانه های ما!»
مرد مال باخته با شنیدن اینکه او دو تا بچه دارد؛ از مالش چشم پوشی کرد. آن را

گذاشت در زمره ی نداشته هایش. بعضی ها هیچ چیز ندارند و بعضی ها فقط همه چیز را ندارند! دو طفل مرد، سر از خانه بیرون کرده بودند و تلاش پدر را برای بقا می دیدند. مسلم به خانه برگشت. رفت تا نانیش را بردارد. اما آن را کسی برده بود. امشب هم گرسنه ماند. اما شکم دیگری، سیر سیر بود. بادِ سرد، همچنان در قبرستان زوزه می کشید.



مهدی سلیمانی
رشته ی زبان و ادبیات فارسی
پردیس شهید باهنر اصفهان

اشک قلم

آیه های چشم تو تفسیر میخواید چکار؟
خواب های قبل تو تعبیر میخواید چکار؟

بی گمان حرف دلم را از نگاهم خوانده ای
اشک های این قلم تاثیر میخواید چکار؟

روح سرگردان من تنها به جست و جوی توست
روح سرگردان من تسخیر میخواید چکار؟

جان من تنها برای توست ای جانان من
جان من در زندگی تقدیر میخواید چکار؟



علی حسینیان مقدم
رشته ی زبان و ادبیات فارسی
پردیس شهید باهنر اصفهان

جادوی دنیای کتاب



زهرا جعفری

رشته علوم تربیتی
پرديس فاطمه الزهرا (س) اصفهان



هانیه جمشیدی

رشته الهیات
پرديس فاطمه الزهرا (س) اصفهان

خط و خال دوست را به تو نمایانده
اند و با لحنی فصیح می گویند: اقرء!

بخوان کتاب آفرینش را!
بخوان کتاب جمال را!
بخوان به نام کسی که لب های تو را از
خون بسته گل سرخ آفرید.

دوستی که هیچ گاه بی مورد سخن
نمی گوید، همنشینی که تو را فریب
نمی دهد، جوانمردی که تو را
درگیر روزمرگی های زندگی نمی کند.
آری، کجاست مونس کسی که نمی خوابد
مگر به همراه تو؛ و نمی گوید مگر به
خواسته ی تو!

کتاب من، رفیق شب های تنهایی
من! در لابه لای این همه هیاهوی
جهان آرامشم تویی.

با تو محشورم ای یار بی زبان من،
تو را می خواهم به وسعت تمام
معانی پنهانت، تو را می خواهم به
اندازه تمام مفاهیمت، وسعت
کلماتت و دریای عمیق کلماتت.

آدم های کتاب هایم را بیشتر از آدم های
کوچه و خیابان دوست دارم!
آخر آدم های کتاب ها یکجورهایی پناه
هستند

زمان هایی که از خروش دریای خانواده و
خویشان دچار حس خفگی می شوم؛
یا از کلاف درهم پیچیده ی اندیشه ی خود
دچار سرگیجه می شوم، به جزیره ی امن
آدم های کتابهایم پناه می برم!
آدمهایی که بی هیچ چشم داشتی دستم
را می گیرند و در دنیای رنگین و گاه سیاه-
سفیدشان با خود همراه می کنند!
قهرمان هایشان را که دیگر نگویم؛ سر
روی زانوهایشان که می گذاری؛ زلف
هایت را که نوازش می کنند، همان مامنی
می شوند که هیچ کجای گیتی پیدا نمی کنی!
اصلاً وقتی که یک کتاب با خود دارم ها،
احساس قدرت می کنم!

صاحب یک دنیا بودن اگر به آدم حس
قدرت ندهد، دیگر چه می تواند آدم را
قدرتمند کند؟

من با کتاب هایم حس می کنم صاحب
یک دنیای همیشه در دسترس هستم!
دنیایی که هنگام غم، یک حبه قند در
دهانت می گذارد تا آرام آرام آب شود و
تلخی غم را بشوید و ببرد که ببرد!
وقتی یک کتاب با خود دارم، احساس
قدرت می کنم چون می توانم از
قیدوبندهای دنیایم آزادانه گذر کنم؛
کتاب های من هواپیما هستند. قطار
هستند. حتی گاهی بالن های رنگی
هستند که در امتداد رویاهای ارغوانی
پروازم می دهند و از مرزهای بزرگسالی
عبور! بالن هایی که مرا به دنیای صورتی
کودکی می برند. آنجا که جدی بودن را
فراموش می کنم و طراوت می گیرم.
آنجایی که طعم آبنبات گرد توت-
فرنگی کودکی هایم را زیر زبانت حس می کنم
گذران زندگی با آدم های کتاب ها برای
من شیرین تر است؛ آری من آنها را بیشتر
از آدمهای کوچه و خیابان دوست دارم!

از ایده تا عمل



دینگ دینگ دینگ



دانشجویان محترم، توجه فرمائید: این جا رادیو دانشگاه است. صدای ما را از قلب دانشگاه فرهنگیان می شنوید.

این شعاری بود که برای اولین بار از بلندگوهای سلف پردیس فاطمه زهرا اصفهان پخش شد؛ و توجه همه دانشجویان حاضر را به طور ناگهانی به خود جلب کرد... به طوری که کنجکاوی را می شد از چهره ی تک تک آن ها خواند. رادیو دانشگاه طرحی بود که برای اولین بار در مهرماه سال ۹۷ زمانی که اوایل ترم سه بودم در ذهنم جرقه خورد. آن زمان به تازگی دبیری کانون شعر و ادب دانشگاه را به عهده گرفته بودم و با بچه های کانون به دنبال برای اجرا می گشتیم.

این طرح با هدف تقویت مهارت گویندگی و فن بیان و صداسازی بود، که نه تنها مورد استقبال بچه های کانون، که مورد استقبال کلیه دانشجویان قرار گرفت... و دانشجویان علاقه مند به عرصه صدا در سال ۱۳۹۷ به صورت مجازی فعالیت خود را در قالب ویس ها و پادکست های موضوعی آغاز کردند... که در نهایت منجر به راه اندازی کانالی تحت عنوان "رادیو دانشگاه" شد. هم چنین گویندگی و صدا برای علاقه مندان این هنر برگزار می شد.

اما آنچه که این طرح را به دنیای عمل وارد کرد، اجرای خانم مهدیه قناعت بود که در هفته ی آخر مهرماه در سلف دانشگاه با محوریت پائیز برگزار شد. میتوان گفت یکی از زیباترین و پرجراترین و شادترین اجراهایی بود که در سال ۹۸ از رادیو دانشگاه در فضای حقیقی دیده شد و این اجرا پیش زمینه شد تا بچه های کانون شعر و ادب انگیزه لازم را برای اجرای اجرای بعدی خود داشته باشند.

و اما برنامه دوم، توسط دوستان خوبم هانیه جمشیدی و محدثه کاظم زاده و بنده با محوریت فرهنگ عمومی به اجرا درآمد. که متن این اجرا توسط بنده و خانم کاظم زاده طراحی و تدوین شد. که البته اگر همکاری تیمی با سایر اعضای نبود، هرگز اجرای رادیو ممکن نبود.

رادیو دانشگاه، رسانه ای برای ناگفته های دانشجویان است.

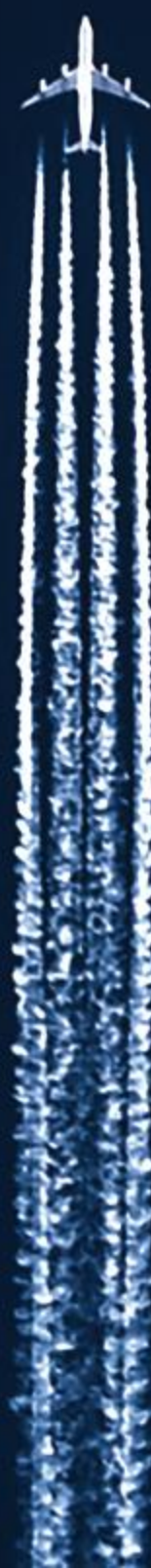
فائزه معینی

رشته علوم تربیتی
پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان



«زندگی یا یک ماجراجویی
جسورانه است یا اصلاً
چیزی نیست.»

- هلن کلر





| کتاب بخوانیم |